

راه غربت

دیوید خردیان

ترجمه شهلا سهیل



۱۶ سپتامبر ۱۹۱۶

به حکومت حلب

قبلاً به شما ابلاغ شده بود که دولت تصمیم گرفته است نژاد ارمنی ساکن در عثمانی را به طور کامل نابود کند. [...] نسل آن‌ها را باید برانداخت. بنابراین بدون اعتنا به روش و ابعاد کشتار، و بدون توجه به ندای وجدان، به زندگی کلیه مردان، زنان، و کودکان ارمنی، خاتمه دهید!

وزیر کشور

طلعت پاشا

۲۲ اوت ۱۹۳۹

به «واحد‌های مرگ» دستور داده‌ام با قساوت تمام و بدون رحم و شفقت، مردان، زنان، و کودکانی را که به نژاد لهستانی‌زبان تعلق دارند، به کام مرگ بکشند. تنها بدین طریق می‌توانیم به اراضی مورد احتیاج، که بقای ما را تضمین می‌کند، دست یابیم. به ندای وجدان توجه نکنید. امروزه چه کسی قتل عام ارمنیان را به خاطر می‌آورد؟

آدولف هیتلر

یادداشت مؤلف

در اواسط قرن نوزدهم میلادی، امپراتوری قدرتمند عثمانی رو به زوال و نیستی نهاد، و اراضی تحت اشغال آن‌ها در آفریقا، بالکان، و مدیترانه، یکی بعد از دیگری آزاد و مستقل می‌شدند. همین امر باعث رقابتی شدید بین قدرت‌های مطرح اروپایی شد تا سلطه خود را در آن مناطق، گسترش دهند.

زمان برای ظهور حزبی انقلابی فرارسیده بود. در سال ۱۹۰۸ م حزب «اتحاد و ترقی» (ترکان جوان)، زمام امور را به دست گرفت تا تمامیت ارضی و منافع امپراتوری را حفظ کند و با توسل به سیاست‌های پان‌ترکیستی، که نوید توران بزرگ را می‌داد، بر آن شد با آزار و اذیت اقلیت‌ها، ارمنیان را، که هزاران سال در موطن خود ساکن بودند، نابود کند.

سلطان عبدالحمید که لقب «سرخ» به خود داده بود و مسئول قتل‌عام‌های ۱۸۹۵-۱۸۹۶ م ارمنیان قلمداد می‌شد، مجبور شد قانون اساسی ترک‌های جوان را - که بر مبنای آزادی، برابری، عدالت، و برادری، پایه‌ریزی شده بود - بپذیرد.

این دوره برای ارمنیان خجسته بود. زیرا احزاب سیاسی برای اولین بار اجازه یافتند آزادانه فعالیت کنند و سرودهای مردمی، ملی، و وطن پرستانه خود را که قبلاً ممنوع بود و اکنون نوید ارمنستان آرمانی را می داد، سر دهند. اما بعد از عزل «سلطان سرخ»، سرنوشت تقریباً تمامی ارمنیان ساکن در امپراتوری عثمانی، نه تنها بهبود نیافت، بلکه به وخامت گروید.

یک سال بعد از پذیرش قانون اساسی، سلطان عبدالحمید از تخت سلطنت برکنار شد و حکومت استبدادی سلطان محمد پنجم آغاز شد. در آوریل سال ۱۹۰۹، حزب اتحاد و ترقی در قتل عام آدانا و دیگر بخش های سیلیسیه شرکت کرد و بیش از سی هزار ارمنی را به کام مرگ کشید.

حکومت «ترک های جوان» که اکنون شعار «ترکیه برای ترک ها» را در سر می پروراند، نتوانست مانع فروپاشی و اضمحلال امپراتوری گردد. بوسنی و هرزگوین به اتریش ملحق شد. کرواسی با یونان متحد شد. بلغارستان، قبل از براندازی حکومت عبدالحمید، به استقلال کامل رسیده بود. ایتالیا، ترابلس را اشغال کرد. در جنگ بالکان در سال ۱۹۱۲م، عثمانی شکست سختی خورد که به جدا شدن قسمت اعظم بخش اروپایی آن منجر شد.

در سال ۱۹۱۲م، آرامنه هیئت را به اروپا گسیل داشتند تا با رضایت عثمانی، حمایت آنان را جهت پاره ای اصلاحات به دست آورند. با وجود بی نتیجه ماندن این مذاکرات، تلاش ارامنه، موجب خصومت بیشتر ترک ها شد.

در ۲۸ ژوئیه ۱۹۱۴ اتریش علیه صرب ها اعلان جنگ داد و جنگ جهانی اول رسماً آغاز شد. در دوم نوامبر ۱۹۱۴ روسیه و صربستان علیه عثمانی، که متحد آلمان بود، وارد جنگ شدند و در پنجم نوامبر همان سال پای انگلستان و فرانسه نیز به جنگ کشیده شد.

عثمانی می خواست یک بار برای همیشه «مسئله ارمنیان» را فیصله دهد. به همین منظور در اوایل سال ۱۹۱۵، کمیته مرکزی حزب اتحاد و ترقی جلسه ای سِرّی تشکیل داد و اعضای آن تصمیم گرفتند به زندگی ارمنیان ساکن در امپراتوری، که مانع بزرگی برای اهداف ترک ها محسوب می شدند، خاتمه دهند.